1

**خلاصه نمایش :**

**در کنار یک کوه بلند که قله آن پوشیده از برف بود یک دشت سبز و خرمی وجود داشت. وسط دشت شهر قشنگی به نام شهر حیوانات بود که تو اون شهر حیوونا خونه های قشنگی ساخته بودن. صبح ها وقتی خورشید طلوع میکرد آقا خروسه بالای خونه زیباش می رفت و با صدای قوقولی قوقول حیوونا رو از خواب بیدار می کرد. یه روز همه مشغول کارو تلاش بودن که الاغی دوان دوان و هراسان وارد دشت شد .**

**گــروه نمـــایش عروسکــــی**

دبیرستان دخترانه حضرت فاطمه زهرا (س)

**شخصیت ها :**

**راوی**

**دوکی ( الاغ )**

**خرگوش**

**زنبورها**

**مرغ**

**بره**

**عوامل اجرایی نمایش**

**مدیر مدرسه :**

**فاطمه کلانتری**

**معاون پرورشی :**

**سیده زهرا حسینی**

**مربی گروه :**

**مـریـم بـاقــری**

**بازیگران :**

علی حسینی ( راوی نمایش ) - محمد اکبر ( دوکی ) - حسین میرافاضلی (خرگوش ) - ایلیا باقری ( زنبورها ) - محسن یکتا ( مرغ ) - ارمیا بابایی ( بره )

**تئاتر همانند یک نقاشی است که در یک بعد مکانی گنجانده شده و به این خاطر از تمامی هنرهای بشری برجسته تر و والاتر است .**

**عنوان نمایشنامه :**

**دوکی قدر نشناس**

**نویسنده :**

**بابک دهقانی**

**منبع نمایشنامه :**

**نسخه الکترونیکی موجود در وبلاگ معاون پرورشی** [**www.mplib.ir**](http://www.mplib.ir)

**بسمه تعالی**